

اموال موضوع ارث زوجه در فقه و حقوق موضوعه ایران

فخرالدین اصغری آقمشهدی* - مهدی حبیبی**

چکیده

زوج از کلیه اموال و حقوق مالی زوجه ارث می‌برد لکن در مورد نوع اموالی که زوجه از آن ارث می‌برد اختلاف نظر وجود دارد. یک نظر این است که با توجه به ظاهر قرآن زوجه از جمیع اموال و از عین آن‌ها ارث می‌برد. نظر دیگر محرومیت زوجه از عین یا قیمت برخی اموال است و نظر آخر تفصیل بین زوجه صاحب فرزند و فاقد فرزند است: زوجه صاحب فرزند از جمیع اموال زوج ارث می‌برد ولی زوجه فاقد فرزند از ارث برخی اموال محروم است. نظر مشهور فقیهان امامیه ارث بردن زوجه از قیمت بنا و درخت و نه از عین آن‌ها و محرومیت او از عین و قیمت زمین است که ماده‌ی ۹۴۶ قانون مدنی از آن پیروی کرده بود. در اصلاحیه سال ۱۳۸۷ ماده‌ی مزبور، زوجه از ارث عین اموال غیر منقول اعم از بنا و زمین محروم بوده ولی از قیمت آن‌ها محروم نیست. مقاله‌ی حاضر پس از نقد کلیه نظرات نظر اول را ترجیح می‌دهد.

کلیدواژه: ارث، قانون مدنی، زوجه، ابنیه، اشجار

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

* دانشیار حقوق خصوصی دانشگاه مازندران، عهده‌دار مکاتبات fasgharia@yahoo.com

** کارشناس ارشد حقوق خصوصی از دانشگاه مازندران

تاریخ وصول: ۸۸/۲/۵ پذیرش نهایی: ۸۹/۲/۲۰

مقدمه

هر یک از وراثت که مستحق ارث باشد از جمیع اموال و ترکه‌ی متوفی سهم الارث خود را می‌برد.^۱ در قرآن برای زوجه سهم الارث مشخص حسب مورد $\frac{۱}{۴}$ یا $\frac{۱}{۸}$ اموال شوهر تعیین شده است بدون این که برخی اموال استثنا شده باشد. در واقع، قرآن از حیث نوع اموالی که زوجین ارث می‌برند تفاوتی قایل نشده است و لحن بیان برای ارث آن دو یکسان است. چنان که در مورد زوج می‌فرماید: «و لکم نصف ماترک ازواجکم...» و به همان لحن در مورد ارث زوجه می‌گوید: «و لهن الربع مما ترکتم...» (نساء/۱۲). فقهای اهل تسنن به همین ظاهر قرآن تمسک جسته و زوجه را در جمیع اموال سهم می‌دانند. (ابن قدامه/۱۰/۷۷۷۳). قانون مدنی مصر (ماده‌ی ۱۱) و قانون مدنی سوریه (ماده‌ی ۲۶۸) نیز به تبعیت از فقه اهل سنت همین دیدگاه را برگزیده‌اند. ولی مشهور فقهای امامیه، زوجه را از ارث بردن بعضی از اموال مانند زمین و اعیانی ساختمان محروم می‌دانند و قایل به تخصیص قرآن هستند. (مقنعه/۶۸۷؛ خلاف/۴/۱۱۶؛ مختلف الشیعه/۲/۷۳۶؛ شرایع الاسلام/۴/۲۸). قانون مدنی ایران مصوب ۱۳۱۳ با تبعیت از نظر مشهور فقیهان امامیه زوجه را از ارث زمین و عین ابنیه و اشجار محروم کرده است.

ماده‌ی ۹۴۶ ق.م.مقرر می‌دارد: «زوج از تمام اموال زوجه ارث می‌برد لیکن زوجه از اموال ذیل: ۱- از اموال منقوله از هر قبیل که باشد ۲- از ابنیه و اشجار. پس از زمین مطلقاً ارث نمی‌برد» و در مورد ابنیه و اشجار هم ماده‌ی ۹۴۷ می‌گوید: «زوجه از قیمت ابنیه و اشجار ارث می‌برد نه از عین آن‌ها.» البته در فقه امامیه نظرات دیگری نیز مطرح است که در ذیل به بررسی این نظرات می‌پردازیم:

۱- بیان نظریات و ارزیابی آن‌ها

با توجه به اختلاف روایات موجود درباره‌ی ارث زوجه نظرات فقها نیز مختلف است که در ذیل مورد اشاره قرار می‌گیرد:

۱- غیر از مورد «حبوه» که فقط پسر بزرگ متوفی می‌برد و سایر وراثت از آن نصیبی ندارند و آن عبارت است از انگشتری، شمشیر، قرآن و لباس‌های شخصی متوفی (ماده‌ی ۹۱۵ ق.م.م)، این حکم نیز از مختصات فقه امامیه است.

ارث زوجه از جمیع ما ترک

الف- بیان نظریه

برخی فقیهان معتقدند که زوجه مانند وارثان دیگر از تمام ترکه ارث می‌برد. ابن جنید اسکافی از طرفداران این نظریه است (به نقل از مختلف‌الشیعه/۳۴/۹). فیض کاشانی نیز این نظریه را از اسکافی نقل می‌کند ولی خودش آن را محل اشکال می‌داند. (مفاتیح‌الشرایع / ۳ / ۳۲۹).

دلایل طرفداران این نظر به شرح ذیل است:

- ۱- اطلاق آیهی شریفه‌ی «ولهنّ الرّبع مما ترکتم». کلمه‌ی «ما» در آیهی مزبور اطلاق داشته و شامل جمیع اموال و حقوق مالی متعلق به شوهر می‌شود.
- ۲- روایات: دو روایت وجود دارد که دلالت بر ارث زوجه از جمیع اموال شوهر دارد. در ذیل به نقل آن‌ها می‌پردازیم:

اول: در صحیح‌ه این ابی‌یغفور آمده است که از امام صادق(ع) سؤال کردم آیا مرد از خانه‌ی زن و زمین آن چیزی ارث می‌برد یا مانند زن است از این‌گونه امور ارث نمی‌برد؟ حضرت در جواب فرمودند: زوج از تمامی ترکه‌ی زوجه و زوجه از تمامی ترکه‌ی زوج ارث می‌برد.^۱

دوم: عبید بن زراره و فضل ابی‌العباس می‌گویند: به امام صادق(ع) گفتیم در مورد مردی که با زنی ازدواج کرده و صدق هم تعیین کرده و سپس فوت کرده است، چه می‌فرمایید. امام(ع) فرمودند: زن، نصف صدق را مالک است و همه چیز را از شوهرش ارث می‌برد و اگر زن هم بمیرد، وضع همین‌گونه است.^۲ چنان‌که ملاحظه می‌شود در دو روایت مزبور تصریح شده است که زوجه از تمامی اموالی که زوج از خود به جا می‌گذارد، ارث می‌برد.

طبق ظاهر آیه‌ی قرآن (نساء/۱۲) زوجه باید در تمام ماترک سهیم باشد و هیچ‌گونه تفاوتی از این حیث بین زوجه و سایر ورثات وجود ندارد و اصل نیز این است که زوجه از

۱- قال: «سالته عن الرجل هل یرث من دارماته او ارضها من التّربه شیئا فقال: یرثها و ترثه من کل شیء ترک و ترکت». (وسائل‌الشیعه/۲۶/ باب ۷ از ابواب میراث‌الازواج).

۲- عبید بن زراره و فضل ابن‌العباس قالا قلنا لابی‌عبدالله علیه‌السلام: «ما تقول فی رجل تزوج امرأه ثم مات عنها و قد فرض الصّدق. قال علیه‌السلام: «لها نصف الصّدق و ترثه من کل شیئی و ان ماتت فهو کذالک». (همان/۲۱ باب ۵۸ من ابواب‌المهور).

جميع اموال ارث ببرد. از این رو، به جز شیعه امامیه، سایر فرق اسلامی بالاتفاق سهم زوجه را از جميع ماترک زوج می‌دانند. از آن‌جا که روایات ناظر به محروم بودن زوجه از بعض ماترک خلاف اصل و ظاهر قرآن است، بسیاری از فقیهان به عناوین مختلف سعی کرده‌اند از دامنه محرومیت زوجه بکاهند. چنان‌که عده‌ای از فقها با تکیه بر این‌که در موارد خلاف نص و ظاهر باید به قدر متیقن اکتفا کرده محرومیت را منحصر به زمین و خانه دانسته‌اند. (جواهرالکلام/۳۹/۲۱۴). از نظر اصولی، تخصیص و تقييد قرآن که به منزله‌ی بیان و توضیح عام و مطلق آن می‌باشد از طریق خود قرآن، خبر متواتر^۱ و اجماع امکان‌پذیر است. (قوانین‌الاصول/۱/۳۰۸). اما در تخصیص قرآن به خبر واحد بین اصولین اختلاف نظر وجود دارد. عقیده‌ی اصولین متأخر این است که خبر واحد می‌تواند مختص قرآن باشد و قوی‌ترین دلیل آن‌ها سیره و روش علما است. (کفایه‌الاصول/۱/۳۶۶؛ اصول‌الفقہ/۱/۱۶۳-۱۶۲).

به عقیده‌ی ابن جنید روایاتی که برخلاف این حکم رسیده نمی‌توانند قرآن را تخصیص بزنند. زیرا یا مفاد آن‌ها با هم اختلاف دارد و یا بیش‌تر آن‌ها از نظر سند صحیح نیستند و یا خبر واحد هستند که نمی‌تواند قرآن را تخصیص بزند. چنان‌که عقیده‌ی مشهور فقهای متقدم مثل ابن براج، ابن زهره و ابن ادریس این است که خبر واحد^۲ را مطلقاً حجت نمی‌دانند. (به نقل از کفایه‌الاصول/۲/۷۹؛ شهیدی، ارث/۱۴۴).

مؤلف دعائم‌الاسلام نیز معتقد است که زوجه از جميع ترکة‌ی زوج ارث می‌برد و روایات وارده از ائمه اطهار (علیهم‌السلام) مبنی بر محرومیت زوجه از زمین و خانه را مختص اراضی مفتوح‌العنوه^۳ یا زمین‌هایی که برای عده‌ی خاصی وقف شده می‌داند. (دعائم‌الاسلام / ۳۹۲/۲). واضح است چنین تأویلی از روایات وارده در حرمان زوجه از بعض ترکة نمی‌تواند درست باشد. زیرا لحن بسیاری از روایات به‌خصوص آن‌ها که در مقام پاسخ به سؤال راوی بیان شده و یا آن‌ها که علت و حکمت محرومیت زوجه را بیان کرده‌اند به‌گونه‌ای نیست که بتوان چنین معنایی را تأویل کرد ولی منظور از نقل کلام صاحب دعائم این است که نشان

۱- خبر متواتر خبری است که گروهی که توافقتشان بر دروغ گفتن محال است آن را گزارش کرده‌اند به‌نحوی که جزم قطعی به درستی آن حاصل شود. (اصول‌الفقہ/۲/۶۷).

۲- خبر واحد، خبری است که به نفسه موجب قطع و یقین نباشد هر چند سلسله راویان آن واحد نبوده و بیش از یکی باشد. (اصول‌الفقہ/۲/۶۹؛ مبانی استنباط حقوق اسلامی/۱۶۸).

۳- اراضی مفتوح‌العنوه یعنی، زمین‌هایی که با قهر و غلبه و شمشیر به‌وسیله‌ی مسلمین فتح شده و مال تمام مسلمین است. (جواهرالکلام/۲۱/۱۵۷).

۱۱ _____ اموال موضوع ارث زوجه در فقه و حقوق موضوعه ایران

دهیم این عالم شیعی هم از چنین روایاتی و مخالفت آن‌ها با ظاهر قرآن به شگفتی افتاده و برای عمل کردن به ظاهر قرآن در صدد چاره‌جویی و تأویل روایات برآمده است.

در میان متأخرین نیز برخی فقیهان نوشته‌اند: «الحق نظر به عموم آیه و بعضی اخبار، منع زن از ارث بردن زمین مشکل است خواه اولاد داشته باشد یا نداشته باشد.» (بدایع الاحکام/۲۴۳).

ب - نقد و بررسی دلایل و مستندات

این نظریه از چند جهت نیکو و پسندیده است یکی از این رو که مطابق ظاهر قرآن است و اخباری که حاکی از محرومیت زوجه از زمین است در حد تواتر نمی‌باشد و خبر واحد محسوب می‌شود که به نظر برخی دانشمندان علم اصول نمی‌تواند مخصص عام قرآن باشد (معالم‌الاصول/۱۴۷) به خصوص که مفاد آن‌ها نیز با هم اختلافاتی دارد و سند بعضی از آن‌ها ضعیف است. دیگر این که دو روایت صحیح در جهت موافق با ظاهر قرآن که حاکی از ارث بردن زوجه از تمام ترکه است، نیز نقل شده است.

علامه و دیگران از کلام ابن جنید^۱ چنین استنباط کرده‌اند که چون لفظ «ولد» به‌طور مطلق ذکر شده، زوجه چه ذات ولد و چه غیر ذات ولد باشد از جمیع ماترک ارث خواهد برد و کلام صاحب‌مفتاح‌الکرامه که کلام ابن جنید را بر زوجه دارای فرزند حمل کرده است، درست نمی‌باشد. صاحب‌مفتاح‌الکرامه می‌گوید: کلام منقول از ابن جنید صریح در ارث بردن زوجه به‌طور مطلق از جمیع ماترک نیست و اینکه با ذکر وجود فرزند، حکم سهم الارث زوجه را از جمیع ماترک بیان کرده، اشاره به این معنی است که به نظر او زوجه ذات ولد از تمام دارایی شوهر، ارث می‌برد و متبادر از فرزند هم در عبارت، فرزندی است که از شوهر و این زوجه ارث‌بر باشد نه فرزند زوجه‌ی دیگر. (مفتاح‌الکرامه/۸/۱۹۰).

ج - اشکال‌های مطرح شده بر نظریه و پاسخ آن‌ها

بر نظریه‌ی ارث زوجه از تمام اموال اشکالاتی به‌شرح ذیل مطرح شده است:

۱ - نظریه مذکور در فوق بر خلاف اجماع است. سید مرتضی در انتصار آورده است: «مما انفردت به الامامیه ان الزوجه لاتورث من رباع المتوفی شیئاً.» (انتصار/۱۷۵). صاحب

۱- «ان دخل الزوج او الزوجه علی الولد و الابوين كان للزوج الربع و للزوجه الثمن من جمیع التركة.» (مفتاح‌الکرامه/۸/۱۳۱).

جواهر می‌نویسد: «عن الخلاف و السرائر الاجماع علی حرمانها من العقار.» (جواهرالکلام/۳۹/۲۱۴).

در ردّ استدلال مذکور در فوق می‌توان گفت که اولاً، ثبوت اجماع محل تردید است. زیرا در برخی کتب فقهی و تفسیری مثل مقنع، مراسم، مجمع‌البیان و جوامع‌الجامع این مسأله‌ی مطرح نشده بلکه فقط به ذکر میزان ارث زوجه یعنی، $\frac{1}{4}$ یا $\frac{1}{8}$ قناعت شده و متعلق ارث بیان نشده است. (همان). ثانیاً، اجماع مزبور اجماع منقول است و تنها از خلاف و سرائر نقل شده است. ثالثاً، اجماع هنگامی حجت است که مدرکی نباشد در حالی که در محل بحث اجماع مسبوق به روایات بسیار است که این‌گونه اجماع‌ها اگر قطعاً مدرکی نباشد، حداقل احتمال مدرکی بودن آن‌ها می‌رود. (میراث زوجه از اموال غیر منقول/۱۵).

۲- نظریه‌ی مزبور با اخباری که بر محرومیت زوجه از ارث اراضی یا خانه دلالت دارند، مخالف است گرچه در تأیید نظریه نیز دو روایت معتبر آمده است لکن این روایات مخالف مشهور هستند. نمی‌توان شیعه امامیه بود و این همه اخبار و روایات وارده از ائمه اطهار(ع) را نادیده گرفت و بر مشرب دیگر فرق اسلامی به ظاهر قرآن و عموم آن اکتفا کرد. (جواهرالکلام/۳۹/۲۱۴) و از طرفی، با اخبار عامه موافق هستند و در صورت تعارض اخبار، ترجیح با روایاتی است که مخالف عامه است. در واقع، روایات مزبور را باید حمل بر تقیه کرد. (استبصار/۴/۱۵۵).

این اشکال نیز وارد نمی‌باشد. زیرا، اولاً شهرت از مرجحات نیست ثانیاً، مشهور بودن روایات مخالف نیز روشن نمی‌باشد. ثالثاً، در باب مرجحات، خبر موافق با کتاب اگر چه موافق با عامه نیز باشد بر خبر مخالف با کتاب و مخالف با عامه ترجیح دارد. در روایت نیز آمده است در صورتی که دو حدیث مخالف هم وجود داشته باشد آن دو را بر کتاب خدا عرضه کنید. حدیثی را که موافق کتاب بوده أخذ کرده و حدیث مخالف آن را رد کنید. اگر در کتاب چیزی نباشد آن دو حدیث را بر اخبار عامه عرضه کنید. حدیث موافق با اخبار آن‌ها را رها کرده و حدیث مخالف اخبار آن‌ها را أخذ کنید.^۱ چنان‌که ملاحظه می‌شود در صورت تعارض

۱- اذا ورد علیکم حدیثان مختلفان فاعرضوهما علی کتاب الله فما وافق کتاب الله فخذوه و ماخالف کتاب الله فردوه فان لم تجدوه فی کتاب الله فاعرضوهما علی اخبار العامه فما وافق اخبارهم فذروه و ما خالف اخبارهم فخذوه. (وسائل الشیعه/۱۸/۷۶-۷۵).

۱۳ _____ اموال موضوع ارث زوجه در فقه و حقوق موضوعه ایران
دو حدیث و در مقام ترجیح، ابتدا موافقت با کتاب در نظر گرفته می‌شود و در صورت فقدان این مرجح، نوبت به مرجح دوم می‌رسد.

محرومیت زوجه از ارث برخی اموال زوج الف - بیان نظریه

دسته‌ای از فقها معتقد به حرمان زوجه از بعضی ترک‌ها می‌باشند که در میان این گروه نیز اقوال متعددی در مورد مصداق یا موضوع حرمان وجود دارد:

۱- زوجه از جمیع ماترک ارث می‌برد ولی از عین زمین به او چیزی نمی‌رسد بلکه زمین را قیمت کرده و از قیمت آن ربع یا ثمن به او داده می‌شود. سید مرتضی (انتصار/۵۸۵) که از طرفداران این نظریه است در اعتقاد به نظر مزبور توجهی به اخباری که تصریح به مطلق حرمان زن دارد، نکرده است چه او خبر واحد را حجت نمی‌داند. تنها دلیل او مراعات اجماع است و می‌گوید بر حرمان عین زمین اجماع شده است ولی بر حرمان از بهای زمین اجماع نشده است. دلیل دیگر این‌که علت منع زوجه از بردن عین خانه، این است که ممکن است بعد از متوفی، زوجه ازدواج کند و کسی را در خانه ساکن کند که رقیب متوفی بوده و این امر بر طایفه متوفی گران می‌آید اما نظر مذکور به زیباترین وجه از این امر جلوگیری کرده است و هم به ظاهر قرآن و هم به آنچه امت بر آن اجماع کرده‌اند، عمل شده است. نظر سید مرتضی برخلاف آنچه بسیاری بر او خرده گرفته و نظر ابن جنید را بهتر از آن دانسته‌اند. (مسالک الافهام/۳۶۹/۲؛ جواهرالکلام/۲۱۴/۳۹؛ مختلف‌الشیعه/۱۸۴/۲)، تا حدودی منطقی و منصفانه به نظر می‌رسد و موجب جمع بین عموم قرآن و خصوص اخبار است.

یکی از فقیهان معاصر نیز در این زمینه می‌گوید: «زن از زمین و غیر منقول‌های دیگر از عین آن‌ها ارث نمی‌برد و از قیمت هوایی مانند ساختمان و درخت ارث می‌برد و اما ارث بردن زن از قیمت زمین مطلقاً مانند هوایی بعید نیست بلکه خالی از وجه و قوت نیست هر چند احتیاط به مصالحه در خصوص زمین و بالخصوص نسبت به زنی که صاحب فرزند از زوج مورث نباشد مطلوب و نوعی عمل به فتوای معروف بین فقهای شیعه است. (استفتائات قضایی/۳۹۰/۲). آیت‌الله خامنه‌ای نیز در پاسخ به استفتای برخی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در خصوص ارث زوجه اعلام داشتند: «زن در صورت فرزنددار بودن از شوهر، یک هشتم از عین اموال منقول و یک هشتم از قیمت اموال غیر منقول اعم از عرصه و اعیان را ارث می‌برد و در صورت نداشتن فرزند حتی از همسر دیگر، سهم او یک چهارم می‌باشد.»

۲- زن از رباع^۱ (زمین خانه و منزل) محروم است نه از زمین باغ و کشت و نسبت به بنا از قیمت آن ارث می‌برد. شیخ مفید و ابن ادریس از طرفداران این نظریه می‌باشند. علامه حلی نیز در کتاب مختلف به آن تمایل نشان داده است. (سرائر/۳/۳۵۹؛ مقنعه/۶۸۷؛ مختلف‌الشیعه/۲/۷۳۶). برای اثبات این نظریه گفته شده است که قدر متیقن از موارد استثنا تنها رباع است و بقیه اراضی تحت عموم آیه‌ی شریفه‌ی باقی می‌ماند.

در روایت از امام باقر و امام صادق(ع) آمده است: «زن از ترکه‌ی شوهرش از خاک خانه یا زمین ارث نمی‌برد ولی اجر و چوب (مصالح) تقویم می‌شود و حسب مورد $\frac{1}{4}$ یا $\frac{1}{8}$ سهم الارث از آن قیمت داده می‌شود».

در روایتی دیگر، یزید صائغ می‌گوید از امام صادق(ع) پرسیدم آیا زنان از زمین ارث می‌برند؟ حضرت در جواب فرمودند: خیر؛ اما قیمت ساختمان را ارث می‌برند.^۳ (وسائل‌الشیعه/۵۱۹/۱۷ حدیث ۸).

در بسیاری از روایات کلمه‌ی «عقار» ذکر شده است و در بیش‌تر روایاتی هم که از ممنوعیت ارث زوجه از زمین و ضیاع (زمین کشت و زرع) سخن رفته با کلمه‌ی «الآ» یا «لکن» قیمت ساختمان و مصالح به‌کار رفته در ساختمان، استثنا شده است و بسیار محتمل است که مراد از زمین به قرینه‌ی استثنایی که بعد از آن آمده همان زمین خانه باشد نه مطلق زمین.

در برخی روایات هم که به‌صورت استثنا ذکر نشده، در کنار بیان ممنوعیت زوجه از زمین حکم قیمت ساختمان و مصالح ذکر شده و تصریح شده که زوجه از آن‌ها ارث می‌برد و این هم می‌تواند قرینه‌ای باشد بر این که مراد از زمین که زوجه از ارث بردن آن ممنوع است زمین خانه است نه مطلق زمین. بدین ترتیب باید در مقام تخصیص، به همین قدر متیقن اکتفا کرده و نظر شیخ مفید را در مقنعه تأیید کرد که صریحاً گفته است «زوجه از ارث بردن «رباع» ممنوع است و مراد از رباع نیز خانه و مسکن است. (مقنعه/۱۰۴). علامه حلی نیز با این که به‌طور جزم این نظر را نپذیرفته ولی آن را نیکو و خوب دانسته است از آن جهت که موجب تقلیل تخصیص عموم قرآن است. (مختلف‌الشیعه/۱۸۴).

۱- «و الرباع هی الدور و المساکن دون البساتین و الضیاع» (مقنعه/۶۸۷).

۲- ان المراه لاترث من ترکه زوجها من تربه دار او ارض الا ان یقوم الطوب و الخشب قیمه فتعطی ربعها او ثمنها. (حر عاملی/۵۱۹/۱۷، حدیث ۵).

۳- سا لته عن النساء هل يرثن من الارض؟ فقال: لا و لكن يرثن قیمه البناء. (همان/۵۲۰/۱۷).

برخی فقیهان معاصر را می‌توان از طرفداران این نظر دانست. (نخبه الافکار فی حرمان الزوجه/۶؛ صیانه الابانه/۱۷۵). برخی فقیهان علی‌رغم این که زوجه را از ارث زمین و اعیانی محروم می‌دانند، می‌نویسند: «ولی بنا بر احتیاط مستحب در زمین غیر خانه، با او صلح کنند. (رساله توضیح المسائل/۵۵۱).

۳- نظر مشهور فقهای امامیه این است که زن از زمین محروم است خواه زمین بدون ساختمان و کشت و درخت باشد یا دارای کشت، درخت یا ساختمان باشد، هم از عین زمین و هم از قیمت آن محروم است ولی در ساختمان تنها از عین آن محروم است نه از بهای آن. (شرح لمعه/۱۷۳/۸؛ جواهرالکلام/۲۱۵/۳۹؛ منهاج‌الصالحین/۳۶۰/۲؛ تحریرالوسیله / ۳۹۷/۲؛ جامع‌الشتات/۵۸۸/۲؛ مکاسب/۴۰۲).

مستند قول مشهور روایاتی است که عمدتاً از امام باقر و امام صادق (علیهماالسلام) نقل شده است که به ذکر دو مورد بسنده می‌شود:

۱- محمد بن علی بن نعمان معروف به مؤمن طاق می‌گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که فرمودند: زنان از عقار (زمین) چیزی نمی‌برند و قیمت ساختمان و درخت و نخل به آن‌ها داده می‌شود.^۱

۲- محمد بن مسلم و زراره از امام باقر (ع) روایت کرده‌اند که فرمود: زنان از خانه و زمین چیزی نمی‌برند مگر این که ساختمانی احداث شود که از آن ساختمان ارث می‌برند.^۲

ب - نقد و بررسی نظریه

در مورد ارزیابی نظرات سه‌گانه‌ای که در این دسته مطرح شده است، باید گفت نظر سید مرتضی که محرومیت را مختص عین زمین دانسته و زن را مستحق بهای آن می‌داند با این ایراد مواجه است که او می‌گوید: «فقها بر محرومیت زن از بهای زمین اجماع نکرده‌اند» در حالی که فقها بر محرومیت زن از عین و بهای زمین تصریح دارند هر چند در مقدار آن اختلاف نظر شده است. درستی این ایراد از بررسی فتاوی فقها معلوم می‌شود. پس اگر او می‌خواهد اجماع فقها را مراعات کند باید مورد اجماع را نیز رعایت کند. اگر سید مرتضی با

۱- عن الاحول، عن ابی عبدالله (ع) قال: «سمعتہ یقول: لا یرثن النساء من العقار شیئا و لهن قیمه البناء و الشجر و النخل.» (وسائل‌الشیعه/۲۶، باب ۷ از ابواب میراث‌الازواج).

۲- عن محمد بن مسلم و زراره عن ابی جعفر (ع): «ان النساء لا یرثن من الدور و لا من الضیاع شیئا الا ان یکون احدث بناء فیرثن ذلک البناء.» (همان/۲۶، باب ۷).

ابن جنید یا عقیده خودش (سید مرتضی) موافقت می‌کرد که خبر واحد را حجت نمی‌داند، هم‌آهنگ‌تر بود و این استدلال که ابن جنید معلوم‌النسب است و نظر مخالف او به تحقیق اجماع زیان نمی‌رساند، صحیح نمی‌باشد. زیرا، هیچ‌کس با سید مرتضی موافق نیست چه رسد به ابن جنید که در میان پیشینیان از حیث تحقیق و تدقیق بی‌مثل و مانند است.

در مورد نظریه‌ی شیخ مفید مبنی بر اختصاص محرومیت زوجه به زمین مسکونی نه زمین باغ و بستان و زرع، باید گفت روایت محمدبن مسلم از امام صادق(ع) و روایت یزید صائغ از ایشان مبنی بر محرومیت زوجه از رباع (زمین زیر ساختمان) با این ایراد مواجه است که اولاً، این دو خبر سندشان صحیح نیست و حتی دومی به‌غایت ضعیف است. زیرا فضل بن شاذان یزید صائغ را از دروغ‌گویان مشهور می‌داند. (معجم رجال الحدیث/۲۰/۱۲۱ و / ۱۶ / ۲۹۸). ثانیاً، روایات مزبور متعرض بیش از زمین مسکونی نیست نه آن‌ها را نفی می‌کند نه اثبات. پس اگر اخبار دیگری بر آن‌ها دلالت کند، باید آن‌ها را پذیرفت چون با این اخبار تعارضی ندارند.

درباره‌ی نظریه‌ی سوم که به مشهور فقهای امامیه منتسب می‌باشد و قانون مدنی مصوب ۱۳۱۳ نیز در مواد ۹۴۶ و ۹۴۷ همین نظر را برگزیده بود، ایراداتی وارد می‌باشد: اولاً، بسیار محتمل است که روایات متعدد که با اختلاف مختصر در عبارت زراره و محمد بن مسلم نقل شده به یک یا حداکثر دو روایت برگردد.

ثانیاً، قدر مسلم این است که طبق اصل و ظاهر آیه‌ی قرآن زوجه باید در جمیع ماترک سهیم باشد و هیچ‌گونه تفاوتی از این حیث بین زوجه و سایر وراث وجود ندارد و لذا به جز شیعه امامیه، سایر فرق اسلامی بالاتفاق سهم زوجه را از جمیع ماترک زوج می‌دانند و بسیاری از فقهای امامیه نظیر شیخ مفید که محرومیت زوجه را منحصر به زمین خانه می‌دانند و سید مرتضی که محرومیت را فقط شامل عین زمین دانسته، به عناوین مختلف سعی کرده‌اند تا از دامنه‌ی این محرومیت بکاهند.

ثالثاً، سیره‌ی پیغمبر اکرم(ص) و امام علی(ع) تا زمان امام باقر(ع) که اخبار مربوط به حرمان زوجه از ایشان و سپس از امام صادق(ع) نقل شده، روشن نیست. هر چند از ظاهر بعضی روایات چنین برمی‌آید که مسلمین در عمل، زوجه را محروم نمی‌دانستند چنان‌که در روایت یزید صائغ وقتی از امام می‌پرسد آیا زنان از زمین ارث می‌برند یا خیر؟ و امام پاسخ منفی می‌دهد راوی می‌گوید: مردم به این امر راضی نمی‌شوند و زیر بار حکم نمی‌روند... .

رابعاً حکمت و فلسفه حرمان زوجه که در برخی روایات به آن اشاره شده است هر چند ممکن است در بعضی موارد مصداق داشته باشد ولی نمی‌تواند حرمان زوجه را از بعضی ماترک در همه موارد توجیه کند چراکه اولاً همین حکم در مورد شوهر نیز می‌تواند جاری باشد چه او هم از راه نسب ارث نمی‌برد و بر خانواده‌ی زوجه بیگانه است و پس از فوت زوجه ممکن است خود و زن دیگرش بر املاک خانواده زوجه مسلط شوند. ثانیاً زن به عنوان مادر، خواهر، دختر، عمه و خاله از تمام ماترک مورث خود ارث می‌برد در حالی که همین فلسفه در آنجا هم صادق است زیرا یا ازدواج کرده و ارث می‌برد یا ممکن است پس از ارث بردن با مردی بیگانه ازدواج کند و او را بر املاک خانواده‌ی خویش مسلط گرداند. (بررسی میراث زوجه در حقوق اسلام و ایران/۱۴۶).

تفصیل بین زوجه دارای فرزند و فاقد فرزند

الف - بیان نظریه

دسته‌ای از فقها میان زوجه دارای فرزند و بدون فرزند قایل به تفصیل شده‌اند به‌گونه‌ای که زنی دارای فرزند از شوهرش از جمیع ماترک زوج ارث می‌برد ولی زنی که از متوفی فرزند ندارد از اموال غیر منقول محروم است.^۱ (مفتاح‌الکرامه/۱۸۹/۲).

مستند این نظریه، روایت ابن ابی عمیر از عمر بن اذینه است که آمده است: «هرگاه زن فرزند داشته باشند از رباع (زمین) ارث می‌برند». (وسائل‌الشیعه/۵۲۳/۱۷). مفهوم مخالف روایت دلالت بر این دارد که زن بی‌فرزند از زمین محروم است و این دسته از فقها تمام آن اخبار را با این خبر تخصیص داده‌اند. قایلین به این نظریه می‌گویند اگر زن از شوهر سابق خود فرزندی داشته باشد فرزندان او از شوهر اول و دوم با هم خواهر و برادر می‌شوند و مزاحم یکدیگر نمی‌باشند. ممکن است گفته شود خود شوهر دوم که وارد خانه می‌شود یک نوع مزاحمتی برای فرزندان زن از شوهر اول به‌وجود می‌آورد. (شهیدی، ارث/۱۷۵).

شیخ طوسی در نهاییه پس از آن که بیان می‌کند زوجه از زمین و خانه ارث نمی‌برد و قیمت بنا و ساختمان به او داده می‌شود می‌گوید: «این حکمی که بیان کردیم همانا وقتی است که زن از متوفی فرزند نداشته باشد ولی اگر برای او فرزندی از متوفی باشد سهم‌الارث

۱- «فی النساء اذا کان لهن ولد، اعطین من الرباع.» (وسائل‌الشیعه/۵۲۳/۱۷، حدیث ۲).

او از جمیع آنچه گفتیم از مزرعه، باغ، خانه و مسکن داده می‌شود.^۱ این نظریه پیروان زیادی بین فقها دارد. (نهایه/۳/۲۱۰؛ مبسوط/۴/۱۲۶؛ شرایع الاسلام/۴/۲۸؛ مختلف الشیعه / ۲ / ۷۳۶؛ مسالک الافهام/۲/۳۳۴؛ کنز العرفان/۲/۳۳۲؛ الوسیله چاپ شده در الجوامع الفقهیه/۷۷۵). برخی فقیهان علی‌رغم این که زوجه را به‌طور مطلق از ارث محروم می‌دانند، می‌نویسند: «اگر زن از میت بچه دارد بنا بر احتیاط مستحب مؤکد از همه‌ی ترکه حتی از زمین به او ارث بدهند یا هم مصالحه کنند.» (رساله‌ی توضیح المسائل/۵۵۱).

بعضی از حقوق‌دانان نیز در مورد احادیث حرمان زوجه به شرح مذکور در فوق که مخصوص آیه‌ی ۱۲ سوره‌ی نساء است، معتقدند در صورت تردید در شمول مدلول آن‌ها نسبت به زوجه با ولد باید به اطلاق آیه متوسل شده و آن را از شمول روایات خارج دانست. (دوره‌ی حقوق مدنی - ارث/۱/۲۲۰).

ب - نقد و بررسی نظریه

ایراد اساسی به این نظریه چنان که صاحب جواهر نیز گفته‌اند این است که روایت ابن اذنیبه مقطوعه بوده و روایت بودن آن محل تردید است و مضمون الروایه حجت نیست حتی در حد مرسله هم نیست تا ضعف آن با شهرت و مانند آن جبران شود. (جواهر الکلام/۳۹/۲۱۱). شاید بتوان گفت عمل کردن جمع کثیری از فقهای بزرگ به مفاد آن، می‌تواند ضعف آن را جبران کند و نشان دهد که آنان به آن چه ابن اذنیبه نقل کرده است، به‌عنوان قول امام اعتماد کرده‌اند و نه قول وی. از این گذشته، اگر هم این خبر را به لحاظ مقطوعه بودن حجت ندانیم لااقل می‌تواند در عمومیت اخباری که زوجه را از بعض مایه‌ی محروم می‌دانند، شبهه ایجاد کند و همین کافی است تا دست از عموم این اخبار برداریم و در مورد زوجه دارای فرزند به همان اصل اولیه و عموم قرآن بازگردیم و به قدر متیقن از تخصیص که محرومیت زوجه غیر ذات ولد است، اکتفا کنیم. (مفتاح‌الکرامه/۸/۱۹۱؛ مختلف الشیعه/۲/۱۸۵-۱۸۴).

شایان ذکر است برخی از فقیهان معاصر علی‌رغم محروم داشتن زوجه از زمین می‌نویسند: «اگر زن از میت بچه دارد بنا بر احتیاط مستحب مؤکد از همه‌ی ترکه حتی از زمین به او ارث بدهند یا هم مصالحه کنند.» (توضیح المسائل/۵۵۱).

۱- «و هذا الحكم الذی ذکرناه انما یکون اذا لم یکن للمرأه ولد من المیت فان کان لها منه ولد اعطیت حقها من جمیع ما ذکرناه من الضیاع و العقار و الدور و المساکن.» (نهایه/۳۴۹).

دیدگاه حقوق دانان و قانون مدنی

قانون مدنی قبل از اصلاحیه‌ی مورخ ۸۷/۱۱/۶ به پیروی از نظر مشهور فقیهان امامیه بین ارث زوج و زوجه نسبت به اموال مورد وراثت تفاوت قایل شده بود. ماده‌ی ۹۴۶ قانون مدنی مصوب ۱۳۱۳ در این مورد مقرر می‌داشت: «زوج از تمام اموال زوجه ارث می‌برد لکن زوجه از اموال ذیل: ۱- از اموال منقول از هر قبیل که باشد ۲- از ابنیه و اشجار». به موجب ماده‌ی ۹۴۷ زوجه از قیمت ابنیه و اشجار ارث می‌برد و نه از عین آن‌ها.

به نظر می‌رسد که زوجه از ارث حقوق وابسته به زمین مانند حق ارتفاق، حق انتفاع، مالکیت منافع و نیز حق ناشی از تعهد بر نقل مالکیت زمین محروم نبود. زیرا این اموال زمین محسوب نمی‌شوند و اصل، وراثت زوجه از تمام اموال است مگر زمین (شهیدی، ارث/۱۶۷). به عبارت دیگر، محروم ماندن زن از زمین چهره‌ی استثنایی داشته و باید تفسیر محدود شود.^۱ در اجرای این قاعده هر جا تردید در غیر منقول بودن مالی شود یا تردید در الحاق حقی به زمین باشد، باید اصل را بر وراثت نهاد. (دوره مقدماتی حقوق مدنی - شفعه، وصیت و ارث/۱۵۴).

یکی از صاحب نظران حقوق مدنی می‌نویسد: «ما با وضعی روبه‌رو هستیم که به یقین، حکم الهی و قرآنی با برابری زن و شوهر و وراثت زن از تمام اموال شوهر موافق است. درباره‌ی احتمال تخصیص قرآن به اخبار و مفاد آن فقها به چند گروه تقسیم شده‌اند. در این وضع آیا پاسخ نگفتن به ندای عدالت دریغ و ظلم نیست و «مانع شرعی» بهانه‌ی سنت‌گرایی نشده است. (ارزش سنت و جذب عدالت در توارث همسران/ش ۲۹). قابل ذکر است که قانون مدنی در مواد ۱۵، ۱۶ و ۱۷ برخی اموال را در حکم اموال غیر منقول ذکر کرده در حالی که نمی‌توان زوجه را از ارث بردن آن‌ها محروم دانست.^۲ زیرا، قانون‌گذار فقط از حیث صلاحیت

۱- درباره‌ی اصل وراثت و حکم استثنایی حرمان. (ر.ک: شرح لمعه/۱۷۳/۸).

۲- ماده‌ی ۱۵ ق.م: ثمره و حاصل، مادام که چیده یا درو نشده است غیر منقول است اگر قسمتی از آن چیده یا درو شده باشد تنها آن قسمت منقول است.

ماده‌ی ۱۶ ق.م: مطلق اشجار و شاخه‌های آن و نهال، قلمه مادام که بریده یا کنده نشده است غیر منقول است.

ماده‌ی ۱۷ ق.م: حیوانات و اشیایی که مالک آن را برای عمل زراعت اختصاص داده باشد از قبیل گاو، گاو میش و ماشین و اسباب و ادوات زراعت و غیره و به‌طور کلی هر مال منقول که برای استفاده از عمل زراعت لازم و مالک آن را به این امر تخصیص داده باشد از جهت صلاحیت محاکم و توقیف اموال جزء ملک

محاکم و توقیف اموال، آن‌ها را در حکم اموال غیر منقول دانسته ولی در سایر موارد مال منقول بوده و زوجه از آن‌ها ارث می‌برد. (دوره حقوق مدنی - ارث/۱/۲۲۲).

نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۲۷ آذرماه ۱۳۸۶ به یک فوریت اصلاح مواد ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸ قانون مدنی با ۱۱۷ رأی موافق و ۳۲ رأی مخالف، رأی مثبت دادند اما دو فوریت آن با ۱۱۴ رأی موافق و ۴۹ رأی مخالف، رأی نیاورد. قرار بود این طرح پس از پایان بررسی بودجه ۸۷ در مجلس مطرح شود اما نمایندگان به بررسی خارج از نوبت این طرح در مجلس رأی ندادند. نمایندگان مجدداً تلاش خود را برای اصلاح قانون مدنی در این خصوص در قالب طرح یک فوریتی آغاز کردند و در تاریخ ۱۳۸۷/۱۱/۶ این تلاش‌ها به ثمر نشست. به موجب ماده‌ی واحده‌ی قانون اصلاح موادی از قانون مدنی، ماده‌ی ۹۴۷ حذف و ماده‌ی ۹۴۶ و ۹۴۸ اصلاح شدند. به موجب ماده‌ی ۹۴۶ «زوج از تمام اموال زوجه ارث می‌برد و زوجه در صورت فرزندان بودن زوج یک هشتم از عین اموال منقول و یک هشتم از قیمت اموال غیر منقول اعم از عرصه و اعیان ارث می‌برد. در صورتی که زوج هیچ فرزندی نداشته باشد، سهم زوجه یک چهارم از کلیه‌ی اموال به ترتیب فوق می‌باشد». ماده‌ی ۹۴۸ مقرر می‌دارد: «هرگاه ورثه از ادای قیمت امتناع کنند، زن می‌تواند حق خود را از عین اموال استیفا کند». چنان که ملاحظه می‌شود ماده‌ی ۹۴۶ منطبق با فتوای رهبری انقلاب در پاسخ به استفتای نمایندگان مجلس است. از آن‌جا که شورای نگهبان ظرف مهلت مقرر در اصل ۹۴ قانون اساسی نسبت به مغایرت یا عدم مغایرت قانون مزبور با موازین شرعی و قانون اساسی اعلام نظر نکرد این قانون برای انتشار در روزنامه رسمی ابلاغ شد. (برای ملاحظه روند قانون‌گذاری، ر.ک: حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران/۲/۱۸۷ - ۱۶۶).

نتیجه‌گیری

مسأله‌ی محرومیت زوجه از بعض مایه‌ی شوهر، چنان که صاحب مفتاح‌الکرامه یادآور شده از مشکلات فقه امامیه است و بحث‌های بسیاری را برانگیخته است. مطابق ظاهر آیه‌ی شریفه «و لهن الربع مما ترکتم ان لم یکن لکم ولد» (نساء/۱۲) و نیز عموم برخی روایات زوجه خواه دارای فرزند از زوج متوفای خود باشد یا نباشد از همه اموال او، اعم از اراضی و

محسوب شده و در حکم مال غیر منقول است و همچنین است تلمبه و گاو و یا حیوان دیگری که برای آبیاری زراعت یا خانه و باغ اختصاص داده شده است.

ابنیه و اشجار و اموال منقول ارث می‌برد. اما روایات در این باره مختلف بوده و نظرات فقها نیز به همین دلیل متفاوت می‌باشد. در یک تقسیم‌بندی می‌توان این روایات را به سه دسته تقسیم کرد: دسته‌ی اول، روایاتی که با ظاهر قرآن موافق بوده و زوجه را به طور مطلق مستحق ارث از جمیع اموال و حقوق مالی شوهر می‌داند. دسته‌ی دوم، روایاتی که زوجه را از ارث برخی اموال محروم می‌داند. دسته‌ی سوم، روایاتی است که بین زوجه صاحب فرزند و فاقد فرزند تفصیل قایل شده و محرومیت زوجه را از ارث برخی اموال مختص زوجه بدون فرزند می‌داند. نظر دوم در بین فقیهان از پیروان زیادی برخوردار است، گرچه نظر سوم نیز از طرفداران زیادی برخوردار است. از آنجا که دسته‌ی اول از روایات با ظاهر قرآن و اصل عدم محرومیت زوجه از ارث برخی اموال موافق است، باید مورد پیروی قرار گیرد. این نظر گرچه با نظر عامه موافق است اما از آنجا که در تعارض روایات، ترجیح با روایاتی است که موافق قرآن باشد و باید به آن عمل کرد در صورتی نوبت به ترجیح روایات مخالف با اهل عامه می‌رسد که در بین روایات، روایت موافق با قرآن وجود نداشته باشد. گرچه با اصلاح ماده‌ی ۹۴۶ قانون مدنی زوج از قیمت جمیع اموال غیر منقول اعم از زمین و بنا ارث می‌برد اما با توجه به ظاهر قرآن و برخی روایات پیشنهاد می‌شود با اصلاح مجدد ماده‌ی مزبور زوجه بتواند از عین زمین و بنا ارث ببرد.

منابع

- ۱- ابن قدامه ، موثق الدین، وهبه الزحیلی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۲ ق.
- ۲- ابن ادریس، حلی، *کتاب السرائر*، قم، مؤسسه‌ی النشر الاسلامی، بی‌تا.
- ۳- حسینی تفرشی، مهدی بن مصطفی، *بدایع الاحکام*، بیروت، دارالتراث، ۱۳۲۴.
- ۴- امامی، سید حسن، *حقوق مدنی*، ج ۳، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۶۶.
- ۵- انصاری، شیخ مرتضی، *المکاسب*، ج ۲، انتشارات دهقانی، بی‌تا.
- ۶- بحر العلوم، سید محمد، *بلغه الفقیه*، ج ۳، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲.
- ۷- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *دوره حقوق مدنی (ارث)*، ج ۱، تهران، گنج دانش.
- ۸- حائری، محمدحسن، *میراث زوجه*، مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۷۵، تابستان ۱۳۸۳.
- ۹- حائری شاهباغ، سیدعلی، *شرح قانون مدنی*، ج ۶، تهران، گنج دانش.
- ۱۰- حر عاملی، محمد، *وسائل الشیعه*، ج ۲۱، ۲۶، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۳۷۸ ق.
- ۱۱- حسینی عاملی، سید محمدجواد، *مفتاح الکرامه*، ج ۲، ۸، بیروت، دارالتراث، ۱۴۱۸ ق.
- ۱۲- حکیم، سید محسن، *منهاج الصالحین*، ج ۲، قم، نشر دفتر تبلیغات اسلامی، بی‌تا.
- ۱۳- خویی، سیدابوالقاسم، *منهاج الصالحین*، ج ۲، بیروت، دارالزهراء، ۱۳۶۵ ق.

- ۱۴- سید مرتضی، **انتصار**، قم، مؤسسه‌ی نشر اسلامی، ۴۱۵ ق.
- ۱۵- شهید ثانی، **زین‌الدین، مسالک‌الافهام**، ج ۲، مؤسسه‌ی معارف اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
- ۱۶- _____، **شرح لمعه**، ج ۸، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- ۱۷- شهیدی، مهدی، **ارث**، ج ۲، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۶.
- ۱۸- شیخ حسن، ابومنصور جمال‌الدین، **معالم‌الاصول**، قم، انتشارات جامعه مدرسین، بی‌تا.
- ۱۹- شیخ طوسی، محمد بن الحسن، **الخلافا**، قم، مؤسسه‌ی النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ ق.
- ۲۰- _____، **النهایه**، مؤسسه‌ی النشر الاسلامی، ۱۴۱۲ ق.
- ۲۱- _____، **المبسوط فی فقه الامامیه**، تهران، المکتبه المرتضویه، بی‌تا.
- ۲۲- _____، **عده‌الاصول**، قم، مؤسسه‌ی النشر الاسلامی، بی‌تا.
- ۲۳- شیخ مفید، محمد بن نعمان، **المقنعه**، قم، مؤسسه‌ی النشر الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
- ۲۴- صافی، محمدحسن، **صیانه الابانه**، قم، انتشارات دارالقرآن الکریم، ۱۴۰۵ ق.
- ۲۵- عدل، مصطفی، **حقوق مدنی**، ج ۷، تهران، مؤسسه‌ی چاپ و انتشارات امیرکبیر، ۱۳۴۲.
- ۲۶- علامه حلی، حسن بن یوسف، **مختلف‌الشیعه**، ج ۹، ۲، چاپ سنگی، ۱۳۲۴ ق.
- ۲۷- علامه مظفر، شیخ محمدرضا، **اصول فقه**، ترجمه‌ی محسن غروی‌ان و علی شیروانی، ج ۱ و ۲، قم، انتشارات دارالفکر، ۱۳۸۲.
- ۲۸- فاضل مقداد، جمال‌الدین، **کنز‌العرفان**، تهران، المکتبه المرتضویه، ۱۳۷۳.
- ۲۹- فیض کاشانی، محمدحسن، **مفاتیح‌الشرایع**، ج ۳، قم، مجمع الذخایر الاسلامیه، ۱۴۱۰ ق.
- ۳۰- قاضی، ابوحنیفه، **دعائم‌الاسلام**، ج ۲، ۲، دارالمعارف مصر، ۱۴۱۰ ق.
- ۳۱- قبله‌ای خوبی، خلیل، **ارث**، انتشارات سمت، ۱۳۸۱.
- ۳۲- کاتوزیان، ناصر، **دوره مقدماتی حقوق مدنی** (شفعه، وصیت، ارث)، ج ۳، نشر میزان، ۱۳۸۱.
- ۳۳- _____، **ارزئس سنت و جذبه عدالت در توارث همسران**، مجله‌ی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۲۹، ۱۳۸۳.
- ۳۴- متین دفتری، احمد، **مجموعه رویه قضائی (حقوقی)**، ج ۲، ۲، تهران، ۱۳۵۳.
- ۳۵- محقق حلی، جعفر بن الحسن، **شرایع‌الاسلام**، ج ۴، چاپ مکتبه الاسلامیه، ۱۴۷۷ ق.
- ۳۶- محقق حلی، شهید ثانی، **ارث**، ترجمه‌ی ابوالحسن محمدی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹.
- ۳۷- محمدی، ابوالحسن، **مبانی استنباط حقوق اسلامی**، ج ۱۴، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.
- ۳۸- مهرپور، حسین، **بررسی میراث زوجه در حقوق اسلام و ایران**، مؤسسه‌ی اطلاعات، ۱۳۶۸.
- ۳۹- منتظری، حسین علی، **رساله توضیح المسائل**، قم، نشر دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۲.
- ۴۰- موسوی خمینی، سید روح‌الله، **تحریرالوسیله**، ج ۲، قم، مؤسسه‌ی النشر الاسلامی، بی‌تا.
- ۴۱- میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد، **قوانین‌الاصول**، ج ۱، قم، مؤسسه‌ی نشر اسلامی.
- ۴۲- _____، **جامع‌الشتات**، ج ۲، ۲، انتشارات کیهان، ۱۳۷۱.

۴۳- نجفی، شیخ محمدحسن، *جواهرالکلام*، ج ۱۳، ۲۱، ۳۹، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲.

۴۴- نجفی بروجردی، محمدتقی، *نخبه الافکار فی حرمان الزوجه*، نجف اشرف، ۱۳۷۷.

۴۵- هاشمی شاهرودی، سید محمود، *میراث زوجه از اموال غیر منقول*، فقه اهل بیت، ش ۴۹، ۱۳۸۶.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی